

بررسی قابلیت انطباق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین

رضوان علی محمدی^۱

چکیده

هواپیماهای بدون سرنشین همانند سایر ابزار و وسایل نظامی تابعی از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. لذا بررسی مشروعیت یا غیرقانونی بودن بکارگیری این هواپیماها در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مخاصمات مسلحانه ضروری است. در این راستا اصول تفکیک، تناسب و احتیاط و قابلیت اعمال آنها بر هواپیماهای بدون سرنشین بررسی خواهد شد. نگاهی بر قواعد حقوق بین‌الملل بویژه حقوق بشردوستانه حاکی از این مطلب است که بطور کلی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بالذات ممنوع نیست و این هواپیماها به خودی خود ناقض اصول و قواعد حقوق بشردوستانه نیستند. از آنجا که هواپیماهای بدون سرنشین بعنوان وسیله و ابزار جنگی ملحوظ شده و سلاح محسوب نمی‌شوند لذا مقررات ناظر بر کنترل تسلیحات بر آنها اعمال نمی‌شود و جزء سلاح‌های ممنوعه تلقی نمی‌گردند. بلکه بعنوان ابزار و ادوات جنگی و در راستای تحقق شیوه‌های درگیری باید قادر به رعایت اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخصوصاً اصل تفکیک باشند. اینکه آیا هواپیماهای بدون سرنشین بطور کلی قادر به رعایت این قواعد و بایدها و نبایدهای حقوق مخاصمات مسلحانه هستند و هرگونه استفاده از آنها منطبق با این قواعد است حکم کلی نمی‌توان داد. بلکه بر این امر مبتنی است که هواپیما با چه هدف و چه قابلیت‌ها و کارکردهایی و در چه اوضاع و احوال و شرایطی و با چه شیوه کنترلی بکار گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: هواپیمای بدون سرنشین، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل تفکیک، مخاصمات مسلحانه

^۱ کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران Rezvanalimohammadii@gmail.com

مقدمه

تاریخچه طراحی و ساخت هواپیماهای بدون سرنشین به جنگ جهانی اول و پس از آن باز می‌گردد. اما بطور گسترده در زمان درگیری‌های متعددی چون، کره، ویتنام، درگیری‌های اعراب و اسرائیل و در جریان تجزیه یوگوسلاوی سابق بکار گرفته شدند. اگرچه برخی از این هواپیماهای بدون سرنشین بعنوان بمب‌های هدایت شونده مورد استفاده قرار می‌گرفتند اما بیشتر آنها فقط برای شناسایی بودند. بعنوان مثال رژیم سوریه به منظور شناسایی موقعیت نیروهای شورشی در سال ۲۰۱۲ از این هواپیماها استفاده کرد (Maslen, 2012). (598 و برای اولین بار در درگیری در کوزوو یک پهباد به موشک‌هایی مجهز شد که می‌توانستند از راه دور شلیک شوند (Benjamin, 2013: 15). اما حادثه ۱۱ سپتامبر را باید نقطه عطفی در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح در مخاصمات مسلحانه قلمداد کرد. آمریکا و متحدان‌اش با دستاویز مبارزه با تروریسم در افغانستان و پاکستان از این هواپیماها استفاده کردند (Daily Telegraph, 2013). و با گذشت کمتر از یک ماه از این حادثه در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ اولین موشک با این هواپیماها به افغانستان شلیک شد (Cole and others, 2012: 3) علاوه بر استفاده از پهباد جهت شناسایی و شلیک موشک، از آن بعنوان ابزاری جهت «قتل‌های هدفمند»^۱ مورد استفاده قرار گرفت است. از جمله اسرائیل در سال ۲۰۰۰ در فلسطین و روسیه در چچن و آمریکا در یمن سال ۲۰۰۲ بدین منظور از پهباد استفاده کردند (Alston, 2010: 4).

امروزه توسل به هواپیماهای بدون سرنشین میزان موفقیت در عملیات‌ها و تاکتیک‌های نظامی را افزایش داده است. این توفیقات سبب شده است که استفاده از اینگونه پرنده‌های بدون سرنشین در کنار استفاده از سایر هواپیماها و جنگنده‌ها امری عادی و متداول قلمداد شود. و این امر میزان استفاده کشورها از این ابزار را توسعه بخشیده است. بطوریکه تا به امروز بیش از ۵۰ کشور از این هواپیماها استفاده می‌کنند. علاوه بر چند بازیگر پیشگام در استفاده از این هواپیماها از جمله آمریکا و اسرائیل کشورهای مختلف جهان لزوم استفاده از این هواپیماها را درک کرده و درصدد دستیابی به تولید یا خرید آنها برآمده‌اند (Gorman & Abbott, 2013: 4). مهمترین مزیتی که یک هواپیمای بدون سرنشین دارد این است که خطر از دست دادن خلبان از بین می‌رود و این در حالی است که از دست دادن یک خلبان زنده امری جبران‌ناپذیر است (McDaid & Oliver, 1997: 8). از طرف دیگر ارزش مادی یک پهباد در مقایسه با سایر جنگنده‌ها بسیار ناچیز است. و از ساخت یک هواپیمایی فانتوم هم ارزان‌تر تمام می‌شود و همین امر انگیزه و تمایل کشورها در استفاده از اینگونه هواپیماها را افزایش می‌دهد (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). از طرفی هواپیماهای بدون سرنشین محدودیت‌های فیزیولوژیکی خلبان انسان مانند خستگی را ندارند می‌توان آنها را برای حداکثر تعداد دفعات پروازی طراحی کرد. البته حداکثر طول مدت پرواز هواپیماهای بدون سرنشین متفاوت است (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

¹ Targeted killing

ظهور یک سلاح پیشرفته و جدید یک چالش جدید در تاریخ حقوق بین‌الملل و مخاصمات مسلحانه به شمار نمی‌رود (Vogel, 2010: 103). اگر حمله توسط یک هواپیمای خلبان‌دار غیرمجاز است توسط پهباد نیز غیرمجاز است. در نتیجه خلبان تعیین‌کننده قانون نیست. بنابراین نیازی به قانون جدید برای استفاده از پهبادها نیست و قانون و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی فعلی پاسخگوی نیازهای جدید خواهد بود (Gill, 2013: 8-12). بنابراین شناخت قواعد حقوقی بین‌المللی مرتبط با بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه و به ویژه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. چراکه در طول این سال‌ها استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح در عملیات‌های انجام شده توسط آنها که گاه و بیگاه منجر به کشتار غیرنظامیان شده است بطور چشمگیری افزایش یافته و به تبع آن انتقادات و موضع‌گیری‌های دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در قبال نحوه استفاده از آنها افزایش پیدا کرده است (رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۰۴). نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه با کشتار غیرنظامیان از دلایل اصلی نگرانی دولت‌ها و سازمان‌هایی بین‌المللی در بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین است. بخصوص که قابلیت‌های ویژه و کم‌نظیر این نوع هواپیماها و روند توسعه توسل به آنها، آن را به ابزاری کارآمد و تعیین‌کننده برای جنگ‌های آتی مبدل خواهد ساخت (Sharkey, 2012: 117). و این امر حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در قبال این نوع هواپیماها دچار چالش و مشکل اساسی خواهد کرد که در دو بعد قابل طرح است. یکی ۶۱ نحوه استفاده و بکارگیری و دیگری نحوه کنترل و هدایت پهبادها می‌باشد. پهباد در ذات خود یک تهدید برای نقض قوانین بشردوستانه نیست بلکه سوءاستفاده و کاربرد نادرست از این فناوری شرایط غیرقانونی خواندن و عدم مشروعیت آن را فراهم می‌کند (آجیلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴). بنابراین آینده پهبادها تا حد زیادی به چگونگی استفاده از آنها توسط دولت‌ها بستگی دارد. بدین معنی که وضعیت یک پهباد از قبل مشخص و قطعی نیست و توسط طرح پروازی که دولت برای آن در نظر گرفته مشخص می‌شود. از این‌رو ماهیت پرواز در قانونی که بر آن حاکم می‌شود مهم است (Abeyratne, 2015: 77). لذا در این پژوهش سعی خواهد شد که موضع حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قبال این مسائل و قاعده‌مند کردن استفاده از آنها در چارچوب قواعد بشردوستانه من جمله اصل تفکیک و احتیاط را مورد توجه قرار داده شود. لذا رویکرد نظری این مقاله رویکرد اثبات‌گرایی نوین^۱ است لذا در تنظیم قواعد حقوق بین‌الملل باید موافقت صریح دولت‌ها وجود داشته باشد زیرا حاکمیت دولت‌ها مقدم بر حقوق بین‌الملل است (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳).

¹ Neo-Positivism

۱- مشروعیت بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین و نحوه استفاده از آنها در چارچوب

قواعد حقوق بشردوستانه

حقوق مخاصمات مسلحانه بعنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی ناظر به اصول و قواعد جنگی چه در شروع و چه در خاتمه جنگ و تجویز ابزار و ادوات و شیوه‌های مشروع جنگی و همچنین در بردارنده قواعد حقوق بشردوستانه در حفاظت از افراد و اماکن غیرنظامی است. بنابراین حقوق مخاصمات مسلحانه دارای جنبه عام‌تری نسبت به حقوق بشردوستانه و اعم از آن است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۷). علیرغم ممنوعیت توسل به زور در منشور ملل متحد و ماهیت آمرانه بودن این قاعده حقوق بین‌الملل آنچه در عمل قابل مشاهده است، فقدان صلح دائمی در میان دولت‌ها و توسل آنها به جنگ حداقل در موارد دفاع مشروع یا اقدامات نظامی دسته جمعی در راستای قطعنامه‌های شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور و یا موارد مبارزه با تروریسم هستیم. لذا تنظیم روابط دول متخاصم و ایجاد محدودیت در ابزارها و شیوه‌های جنگی آنان امری اجتناب‌ناپذیر است. هواپیماهای بدون سرنشین هم بعنوان یکی از ابزارهای جنگی بدلیل ماهیت ویژه‌ای که دارند نیازمند بررسی بیشتر و پرداختن به این موضوع هستند که در چه شرایطی استفاده از این هواپیماها مجاز یا ممنوع است.

۶۲ درخصوص نحوه استفاده از پهبادهای نظامی نیز می‌توان قائل به دوگونه کارکرد اصلی شد. یکی از کارکردهای اصلی و پرکاربرد این هواپیماها قابلیت حمل سلاح توسط آنها است که می‌توان آنها را به انواع بمب‌ها و موشک‌ها مجهز کرد. و دیگری قابلیت استفاده به منظور شناسایی و جاسوسی است که دارای قدمت بیشتری می‌باشد. براساس قواعد حقوق بین‌الملل از جمله ماده ۲۲ مقررات منضم به کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ درخصوص قوانین و عرف‌های جنگ زمینی و همینطور بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به عهدنامه‌های ژنو ۱۹۴۹ در هر درگیری مسلحانه حق طرف‌های درگیر در انتخاب روش‌ها یا ابزارهای جنگی نامحدود نیست، همچنین براساس قاعده حقوق بشردوستانه نه عرفی، استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی که از ماهیتی برخوردارند که باعث ورود آسیب بیش از اندازه با درد و رنج غیرضروری می‌شوند ممنوع است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۳۶۴). آنچه که باید مورد بررسی قرار گیرد آن است که آیا هواپیماهای بدون سرنشین نظامی چه بعنوان روش و چه ابزار جنگی می‌توانند سبب ایراد صدمه شدید و غیرضروری شوند که این مسئله بیش از پیش به نحوه بکارگیری این هواپیما بر می‌گردد.

در حقوق مخاصمات مسلحانه منظور از شیوه‌های جنگی ناظر بر چگونگی هدایت حملات در نحوه کاربرد سلاح‌های جنگی است و در حالیکه ابزار جنگی وسیله‌ای برای اعمال روش‌ها و شیوه‌های جنگی است. مفهوم ابزار یا وسیله جنگی اعم از تسلیحات است و شامل سکوها یا سیستم‌های تسلیحاتی از قبیل بمب‌ها، موشک‌ها، راکت‌ها و هواپیماهای که در یک حمله بکار می‌رود نیز می‌شود. تفکیک میان سلاح و وسیله بدلیل ماهیت

در هم تنیده آنها بسیار دشوار است (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۶۳). حال سوال اینجاست که هواپیماهای بدون سرنشین خود یک سلاح‌اند یا وسیله که می‌توانند مجهز به سلاح شوند. فایده بحث آنجا مشخص می‌شود که اگر آنها را وسیله تلقی کنیم نمی‌توان ممنوعیت ناظر بر رژیم کنترل تسلیحات را بر آنها مترتب کرد. طبق پیمان کنترل فناوری موشکی^۱ صادرات هر نوع هواپیمای کامل که قابل استفاده برای حمل سلاح‌های کشتار جمعی باشد ممنوع است. پهبادهای بزرگ که توانایی حمل بیش از ۵۰۰ کیلوگرم بار و برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر را داشته باشند یا صرف‌نظر از میزان بار تنها توانایی برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر را داشته باشند مشمول پیمان مذکور خواهند بود (آرمایی، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۵۹). برطبق معاهدات بین‌المللی از جمله عهدنامه مربوط به تحریم سلاح‌های هسته‌ای در آمریکایی لاتین ۱۹۶۷، در ادامه تعریف سلاح هسته‌ای مقرر می‌دارد: «البته وسیله‌ای که برای حمل یا حرکت سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد جزء این تعریف نیست مشروط بر آنکه جدا از وسیله باشد و جزء لاینفک سلاح نباشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۳۳). همچنین در مورد سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک، خود سلاح تحریم شده نه وسیله‌ای که بواسطه آن از سلاح استفاده می‌شود مگر تجهیزاتی که اختصاصاً برای استفاده مستقیم در ارتباط با کاربرد مهمات شیمیایی کشتار جمعی طراحی شده باشد (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۶۵). قواعد لاهه درخصوص جنگ هوایی نیز هواپیما را تنها وسیله تلقی کرده است. بنابراین در مورد هواپیماهای بدون سرنشین تنها می‌توان آنها را وسیله قلمداد کرد لذا تحت پوشش ۶۳ رژیم کنترل تسلیحات و خلع سلاح قرار نمی‌گیرد.

همانطور که گفته شد استفاده از جنگ‌افزارهایی که باعث صدمات شدید یا ناراحتی و رنج غیرضرور می‌شوند ممنوع است. اما اینکه چه سلاح یا ابزاری قادر باشد که این صدمه شدید و غیرضروری را ایجاد نماید قاعده کلی وجود ندارد. شاید بتوان گفت که در مواردی که اهداف غیرنظامی هدف حمله و آسیب قرار گیرند و یا اهداف و مزیت نظامی با صدمه ایجاد شده تناسب نداشته باشد بتوان گفت که این قاعده نقض شده است (هنکرتزو دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۳۶۹). اینکه آیا استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین می‌تواند باعث ایجاد صدمات شدید و غیرضرور شود مستلزم بررسی توانایی‌ها و میزان قابلیت انطباق این هواپیما با اصول حقوق بشردوستانه از جمله اصل تفکیک می‌باشد (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۶۶) که در ادامه به بررسی این اصول پرداخته خواهد شد.

^۱ رژیم کنترل فناوری موشکی با ۳۴ عضو یک همکاری داوطلبانه و غیررسمی از دولت‌هایی است که از منع گسترش موشک‌ها، وسایل هوایی بدون سرنشین و فناوری‌های مرتبط منافع مشترکی دارند. هدف این رژیم محدود کردن خطر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مانند سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی است.

۱-۱- هواپیماهای بدون سرنشین مسلح

همانطور که پیش‌تر بدان اشاره شد نحوه بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین یکی در قالب حمل سلاح و دیگری عملیات‌های جاسوسی است. در خصوص کارکرد سلاح و ابزار جنگی بودن آن دو وضعیت حقوقی قابل طرح است. یکی بعنوان سلاح یا به عبارت دقیق‌تر ابزار حمل سلاح در طول مخاصمات مسلحانه که تحت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار می‌گیرد. و دیگری در راستای تحقق قتل هدفمند در زمان صلح که ناقض اصول و قواعد حقوق بشری است. بدیهی است که رژیم‌های حقوقی قابل اعمال بر این کاربردها متفاوت است (Emmersan, 2013: 6). در مباحث حقوق بشری باتوجه به اسناد حقوق بشری و تاکید آنها بر حق حیات و ممنوعیت سلب خودسرانه آن و همچنین حق برخورداری از محاکمه عادلانه، ممنوعیت استفاده از پهباد در جهت قتل‌های هدفمند اثبات شده به نظر می‌رسد (Otto, 2010: 198-201). اما مشروعیت بکارگیری هواپیمای بدون سرنشین بعنوان سلاح و ابزار جنگی در طول مخاصمات محل نزاع است. برخی حقوقدانان معتقد به عدم مشروعیت و ممنوعیت مطلق اینگونه پرنده‌های مهاجم هستند (wardrop, 2009). در حالیکه گروهی دیگر معتقد به استفاده بدون قید و شرط اینگونه هواپیماها بعنوان سلاح هستند و خسارات ناشی از حملات این هواپیماها را خسارت جانبی^۱ محسوب می‌کنند (Anderson, 2010: 19-20). اما گروه سوم دیدگاه متعادل‌تری را برگزیده‌اند. بطوریکه بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین را با رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بالاخص قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بلامانع می‌دانند (Alston, 2010: 9). طرفداران این نظریه اعتقاد دارند در صورت وجود مبانی قانونی برای حمله، خسارات جانبی از جمله تلفات به غیرنظامیان یک امر پذیرفته شده است. هرچند این دیدگاه برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله قاعده تفکیک و تناسب است (Amnesty International, 2000: 34-35).

آنچه مسلم است حقوق بین‌الملل بشردوستانه قواعد خاصی در خصوص بکارگیری هواپیماهای نظامی چه با سرنشین و چه بدون سرنشین مقرر نکرده است. اگرچه به ابتکار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیش‌نویس حقوق لاهه در زمینه جنگ هوایی از سوی کمیسیون مرکب از حقوقدانان برجسته در سال ۱۹۲۳ تهیه و مورد پذیرش قرار گرفت اما هیچگاه به شکل یک معاهده الزام‌آور در نیامد و تنها برخی از مفاد آن بعنوان حقوق بین‌الملل عرفی یا به شکل قواعد مجزا در برخی کنوانسیون‌ها از جمله پروتکل اول الحاقی کنوانسیون ژنو مورد پذیرش قرار گرفتند (Henderson, 2009: 26-27). و همچنین مطابق با نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای می‌توان این نوع هواپیماها را از جمله سلاح‌هایی در نظر گرفت که ذاتا در حقوق بین‌الملل ممنوع نشده‌اند. و استفاده از آنها نامشروع و غیرقانونی نمی‌باشد مگر آنکه برخلاف

^۱ منظور از خسارت جانبی آسیب یا صدمه غیرعمدی به افراد یا اشیایی است که در اوضاع و احوال حاکم بر آن زمان مطابق با قوانین موجود هدف نظامی به حساب نمی‌آیند (Dictionary of Military and Associated Terms, 2010: 35).

اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه باشد (رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۰۷). کمیته بین‌المللی سلیب سرخ هم با توجه به ماده ۳۶ پروتکل الحاقی ۱۳۹۷۷ که اشعار می‌دارد: «طرف‌های معظم متعاقد در هنگام بررسی، توسعه، فراگیری و آموزش و یا در اختیار گرفتن یک اسلحه، وسیله یا شیوه جنگی، موظفند تعیین نمایند که آیا کاربرد آن در برخی یا در تمامی وضعیت‌ها، برطبق این پروتکل یا سایر قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال ممنوع است یا خیر». استفاده از فناوری‌های نوین نظامی در یک مخاصمه مسلحانه را منوط به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه بدون اشکال می‌داند (ICRC, 2011: 36). بنابراین اصولاً هیچ ممنوعیتی در حقوق جنگ در قبال بکارگیری سلاح‌های با فناوری پیشرفته در مخاصمات وجود ندارد تا آنجا که با قوانین قابل اعمال در زمان جنگ مخالف نباشد (Arimatsu & Choudhury, 2010: 290).

بنابراین استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین تا آنجا که مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد بلامانع است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها در مخاصمات مسلحانه قابلیت اعمال دارند. خواه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بوده، خواه فاقد وصف بین‌المللی و دارای جنبه داخلی باشند. مخاصمات بین‌المللی به درگیری‌های مسلحانه دو دولت یا بیشتر که خارج از مرزها هستند اطلاق می‌شود اما مخاصمه داخلی به درگیری گروه‌های مسلح با نیروهای مسلح دولتی داخل مرز یک کشور گفته می‌شود. که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر آنها اندکی متفاوت است. مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تحت قواعد حقوق ۶۵ بین‌الملل بشردوستانه عرفی، مقررات کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی ۱۳۹۷۷ است. در حالیکه حقوق بشردوستانه عرفی، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و تحت شرایطی پروتکل دوم الحاقی بر مخاصمات داخلی حاکم می‌باشد (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۹۰: ۳۳). شاید چالش اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص هواپیماهای بدون سرنشین، استفاده از آنها در مبارزه با تروریسم است، چراکه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ با تروریسم به نظر قابل اعمال نمی‌باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۳). توجه به این نکته حائز اهمیت است که اگر مبارزه با تروریسم و اقدامات تروریستی در همین مخاصمات مسلحانه رخ دهد در چارچوب حمایت‌های اسناد قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهد بود. و افرادی که مبادرت به این اقدام می‌کنند در صورت دستگیری اسیر جنگی تلقی می‌شوند (رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۰۸). لذا دولتهایی که به مبارزه با تروریست‌ها می‌پردازند برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود با استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت و حق دفاع مشروع خود را در شرایط یک مخاصمه مسلحانه می‌دانند و اقدامات‌شان را مطابق با حقوق بین‌الملل قلمداد می‌کنند (Koh, 2010). مثلاً ایالات متحده بر این عقیده است که چون جنگ علیه تروریسم است استفاده از پهپادهای مسلح قانونی و قابل توجیه است، البته این استدلال از سوی بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل رد شده است (Groof, 2016: 138).

طبق کنوانسیون‌های ژنو، درگیری دو دولت، حالت جنگی ایجاد می‌کند و در جریان آن حقوق بشردوستانه باید مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس نمی‌توان در یک درگیری تمام‌امکن و افراد را مورد هدف قرار داد. افرادی که بطور مستقیم در جنگ حضور ندارند، نباید هدف قرار داده شوند. بنابراین برای هدف‌گیری افراد توسط پهپادها باید دو شرط وجود داشته باشد: اول اینکه باید ثابت کنیم که درگیری مسلحانه وجود دارد و دوم اینکه افرادی که مورد هدف قرار گرفته‌اند، در درگیری نقش داشته‌اند. مثال بارز در این رابطه کشته شدن بن‌لادن توسط نیروهای آمریکایی است. هرچند بن‌لادن با پهپاد هدف قرار نگرفت اما این سوال مطرح است که آیا وی در زمان کشته شدن رزمنده محسوب می‌شد؟ آیا فرماندهی نظامی گروهی را داشت و یا در هدایت عملیات نظامی نقش مستقیم ایفا می‌کرد؟ پاسخ این سوالات منفی است. مضاف بر اینکه خطری از سوی بن‌لادن نیروهای آمریکایی مهاجم را تهدید نمی‌کرد، زیرا وی در این زمان سلاحی در دست نداشت. البته این بدان معنی نیست که بن‌لادن مجرم نیست و در زمان جنگ جنایتی مرتکب نشده است، مسئولیت کیفری وی در زمانی که در جنگ حضور داشته به وقت خود باقی است اما هدف قرار دادن وی نیز در زمان صلح غیرقانونی بوده است. با توجه به اسناد منتشر شده، بن‌لادن در زمان حمله آمریکایی‌ها، رزمنده محسوب نمی‌شده است. آلتون در گزارشی که در این رابطه نوشته، می‌گوید قتل‌های هدفمند خارج از وضعیت جنگی مشروعیت ندارد (www.irna.ir/news). اما بالواقع در بسیاری موارد مبارزه با تروریسم در چهارچوب یک

۶۶

مخاصه بین‌المللی یا داخلی نمی‌گنجد چراکه این مبارزه در یک مکان و زمان مشخص رخ نمی‌دهد. بنابراین باید میان مبارزه با تروریسم و مخاصمات مسلحانه تفکیک قایل شد. این بحث از این منظر دارای اهمیت است که اگر یک هواپیمای بدون سرنشین در جریان یک مخاصمه مسلحانه یک رزمنده یا غیرنظامی که مستقیماً در درگیری شرکت کرده را مورد هدف قرار دهد قتل مجاز و مشروع است (Arimatsuand, 2012: 291). به عبارت دیگر غیرنظامیانی که بطور مستقیم و کاملاً خودسرانه، پراکنده و غیرسازمان یافته در جنگ‌ها شرکت می‌کنند تنها زمانی می‌توان بطور قانونی هدف قرار داد که در حین ارتکاب چنین اعمالی باشند (Meizer, 2009: 33). اما در جنگ با تروریست‌ها و به قتل رساندن آنها خارج از فضای یک مخاصمه توسط هواپیماهای بدون سرنشین، اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه محل تردید است و نظرات متفاوتی در این خصوص بیان شده است.

برخی معتقدند که اعضای گروه‌های تروریستی حتی در حالتی که هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای در کار نباشد غیرنظامی محسوب نشده و وصف تروریست بودن موجب می‌شود که به قتل رساندن آنها توسط پهپادها بلا اشکال باشد (Strio, 2012: 206). گروه دیگر بر این باورند که تروریست‌ها را بعنوان افراد غیرنظامی در صورتی می‌توان مورد هدف قرار داد که به صورت مستقیم در مخاصمه مشارکت داشته باشند و در غیر این صورت حمله به آنان توسط هواپیماهای بدون سرنشین غیرقانونی است (Sterio, 2012: 206-207). که

این امر مستلزم تعیین دقیق مصادیق مشارکت مستقیم در مخاصمه مسلحانه می‌باشد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در روشن نمودن این تفکیک در درگیری با تروریست‌ها این نکته را بیان می‌دارد که ایجاد لیست قتل و حملات مشخص برای اعضای یک سازمان مسلح که تابع مبارزه مستمر هستند غیرقانونی نیست. اما کشتن مبلغان آنها که در درگیری‌ها حضور مستقیم و مستمر ندارند طبق حقوق بشردوستانه مجاز نمی‌باشد (Millson, 2015: 1,4). اما گروه سوم معتقدند که تروریست‌ها از آنجا که به دلیل ماهیت دوگانه خود که گاهی در حال فعالیت نظامی و گاهی یک فرد عادی هستند، یک رزمنده غیرقانونی تلقی شده و هدف قرار دادن آنها خالی از اشکال است. بدون آنکه از حقوق و مصونیت‌های رزمندگان برخوردار باشند. با وجود همه این نظرات این نکته را باید مدنظر قرار داد که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در مبارزه با تروریست‌ها وقتی قابل قبول است که امکان درگیری مستقیم و یا دستگیر کردن آنان وجود نداشته باشد. و آنها در یک قلمرو غیرقابل کنترل و غیرقابل دسترسی مشغول به فعالیت باشند. در غیر اینصورت اگر دولت‌ها بخواهند در هر شرایطی برای مبارزه با تروریست‌ها از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده کنند کل زمین به یک میدان جنگ مبدل خواهد شد (رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۱۰). با توجه به مباحث مطروحه می‌توان شروط زیر را که از سوی پروفیسور سولیس بعنوان عوامل مشروعیت‌ساز قتل هدفمند پیشنهاد شده‌اند برای بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین مسلح مورد استفاده قرار داد:

۶۷

- (۱) یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی در جریان باشد.
 - (۲) هدف حمله باید فرد مشخصی باشد که به دلیل فعالیت‌هایش در ارتباط با مخاصمه مسلحانه مورد هدف قرار گیرد. نظامیان درگیر در نبرد و غیرنظامیانی که سلاح به دست می‌گیرند و بطور مستقیم در جنگ مشارکت می‌کنند در این گروه قرار می‌گیرند.
 - (۳) امکان دستگیری چنین فردی به شکل منطقی وجود داشته باشد.
 - (۴) تنها یک فرمانده ارشد نظامی باید دستور قتل هدفمند را صادر نماید (Solis, 2010: 542-543).
- ذکر این نکته لازم است که شرط شماره ۳ ضروری به نظر نمی‌رسد زیرا طبق نظر گزارشگر سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ قتل هدفمند نظامیان و غیرنظامیان با مشارکت فعال با استفاده از پهباد نه تنها مطابق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه است بلکه می‌تواند در راستای اعمال اصل تفکیک نیز قلمداد شود (Emmerson, 2013: 6). لذا این شرط در چارچوب قتل هدفمند در خارج از یک مخاصمه طرح می‌شود.

۲-۱- هواپیماهای بدون سرنشین جاسوسی

انجام عملیات‌های جاسوسی که به منظور کسب اطلاعات در محدوده عملیاتی یکی از متخصصین صورت می‌گیرد، در حقوق مخاصمات مسلحانه با ممنوعیتی مواجه نمی‌باشد. و از طرفی در حقوق بین‌الملل

بشردوستانه از جاسوسی حمایت نشده است. و جاسوسان مطابق با قوانین داخلی دولتی که علیه آن مرتکب جاسوسی شده‌اند محاکمه می‌شوند (Graut & Barkery, 2009: 489). اگرچه جاسوسان از حق برگزاری محاکمه عادلانه برخوردارند امام در اکثر نظام‌های داخلی حداکثر مجازات اعدام برای آنان در نظر گرفته شده است (Boczek, 2005: 460). بنابراین طبق قواعد حقوق بشردوستانه جاسوسی توسط هواپیماهای بدون سرنشین در زمان جنگ و در محدود مکانی مخاصمات مسلحانه با مانع یا محدودیتی مواجه نمی‌باشد. نه تنها استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین جاسوسی نباید با محدودیت مواجه شود بلکه بنظر می‌رسد که به دلیل قابلیت‌های ویژه این هواپیما باید دارندگان این فناوری را تشویق بلکه مکلف کرد که به استفاده از آنها در جریان مخاصمات مسلحانه برای تحقق هرچه بیشتر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مبادرت ورزند.

۲- هواپیماهای بدون سرنشین و رعایت اصل تفکیک

همانطور که در مباحث قبل مطرح شد برای بررسی هرچه بیشتر مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین و انطباق آنها با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و تاثیر نحوه بکارگیری آنها در اعمال و اجرای هرچه بیشتر این اصول، بررسی موردی هریک از این اصول و قواعد از جمله اصل تفکیک، تناسب، احتیاط و منع حمله کورکورانه و موارد دیگر ضروری بنظر می‌رسد که در ادامه به بررسی هرکدام از آنها و قابلیت انطباق هواپیماهای بدون سرنشین با این اصول پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که براساس تقسیم‌بندی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اصل تناسب، منع حملات کورکورانه و احتیاط در حمله در ذیل اصل تفکیک قرار می‌گیرد و رعایت اصل تفکیک مستلزم رعایت سه اصل مذکور است، که هر ۴ اصل جداگانه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲-۱- تفکیک^۱ میان اشخاص و اهداف نظامی و غیرنظامی

از نظر حقوق مخاصمات مسلحانه تفکیک میان مبارزان و غیرمبارزان و اهداف نظامی و غیرنظامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. اصل تفکیک نخستین بار در اعلامیه سن پترزبورگ و بعد از آن در پروتکل اول الحاقی به عهدنامه‌های ژنو بدون هیچگونه حق شرطی پذیرفته شده است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۳). براساس این اصل دولت‌ها مکلفند «... به هنگام جنگ میان جمعیت غیرنظامی و مبارزان و میان اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند و عملیات‌شان تنها علیه اهداف نظامی باید هدایت شود». همچنین در پروتکل دوم الحاقی آمده است که جمعیت «غیرنظامی و شهروندان بصورت فردی و جمعی باید از حمایت‌های کلی

^۱ Distinguish

نسبت به خطرات ناشی از عملیات نظامی حمایت شوند». همچنین این اصل از سوی دیوان دادگستری در رای مشورتی خود در تفسیر سلاح‌های هسته‌ای بعنوان یکی از اصول اساسی حقوق بشردوستانه و از اصول غیرقابل نقض در حقوق بین‌الملل عرفی معرفی شده است. این قاعده در کتاب قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو در قرن ۱۸ مورد توجه قرار گرفت (Bothe, 2011: 25). روسو اعتقاد داشت که جنگ به هیچوجه رابطه انسان با انسان نیست بلکه رابطه‌ای میان دولت‌هاست که در آن اشخاص بطور تصادفی نه بعنوان انسان و نه شهروند بلکه بعنوان سرباز با هم دشمن هستند. چون هدف جنگ ویران کردن کشور دشمن است. بنابراین کشتن سربازان کشور دشمن مادام که در جنگ شرکت دارند مشروع است اما به محض اینکه سلاح بر زمین بگذارند دیگر دشمن محسوب نشده و بعنوان انسان سلب زندگی آنها مشروع نیست (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۳۸۳: ۱۱).

تنها مصداقی از رعایت اصل تفکیک میان اهداف غیرنظامی و نظامی در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین قاعده ۲ قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی می‌تواند باشد. برطبق این قاعده «اقدامات یا تهدیدهای خشونت‌آمیزی که هدف اولیه آن گسترش ترس در میان جمعیت غیرنظامی باشد ممنوع است.» این مصونیت در پروتکل الحاقی نیز درج شده است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۹). از جمله مصداق ایجاد ترس و وحشت می‌توان به بمباران هوایی به منظور وحشت جمعیت غیرنظامی و یا از طریق گلوله باران کورکورانه و گسترده به منظور ارباب و هر طریق دیگری که بتوان با استفاده از وسایل نظامی ایجاد رعب و وحشت میان غیرنظامیان نمود نام برد (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). شاید یکی از مصداق ایجاد رعب و وحشت که مرتبط با هواپیما چه با سرنشین و چه بی‌سرنشین است شکستن دیوار صوتی است. سرعت هواپیماهای بدون سرنشین پایین است حتی هواپیماهای بدون سرنشین (اونجر) که با موتور جت حرکت می‌کنند و اخیراً توسط نیروهای آمریکا خریداری شده‌اند تنها سرعتی حدود ۴۶۰ مایل در ساعت دارند (Lewis, 2012: 298). لذا در حال حاضر امکان شکستن دیوار صوتی توسط پهبادها امکانپذیر نمی‌باشد و از این منظر نمی‌تواند رعب و وحشتی ایجاد کنند. اما به هر حال با توجه به قابلیت‌های خاص این هواپیماها و امکان استفاده متنوع و گسترده از آنها و پیشرفت فناوری‌های آن می‌تواند در آینده ایجادکننده رعب و وحشت گردد.

۲-۲- منع حملات کورکورانه^۱

طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه و برطبق پروتکل الحاقی حملات بدون تفکیک و کورکورانه حملاتی هستند که یا متوجه هدف نظامی خاصی نمی‌باشند یا از روش‌ها یا وسایل جنگی خاصی استفاده می‌کنند که امکان

^۱ Indiscriminate Attack

هدف‌گیری به سوی هدف نظامی مشخصی را برآورده نمی‌کند. و یا از روش‌ها یا وسایل جنگی استفاده می‌کنند که محدودیت اثر استفاده از آنها بنحویکه در مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقرر شده است وجود ندارد و در نتیجه در هر مورد نوعاً بگونه‌ای هستند که بدون تفکیک به هدف‌های نظامی و غیرنظامی اصابت می‌کنند (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۷۰). باتوجه به مقررات و رویه دولت‌ها در هیچ سندی از هواپیماهای بدون سرنشین بعنوان وسیله‌ای که ماهیتاً کور‌کورانه عمل می‌کند و قادر به تفکیک نمی‌باشد نامی برده نشده است. لذا باتوجه به اینکه نحوه کنترل این هواپیماها متفاوت است لازم است که هرکدام مورد بررسی قرار گیرد.

هواپیماهای بدون سرنشین با سه شیوه کنترل می‌شوند: (۱) به وسیله هوش انسانی؛ (۲) هوش مصنوعی؛ (۳) روش از پیش برنامه‌ریزی شده یا خودکار. در روش خودکار هواپیما برطبق یک طرح پرواز از پیش برنامه‌ریزی شده پرواز می‌کند. بنابراین هواپیما به محض بلند شدن یک راه مشخص و ثابت را دنبال می‌کند و قادر به تجدیدنظر و انعطاف در کارهای خود نیست. در روش کنترل از راه دور یا هوش انسانی که از طریق امواج رادیویی اطلاعات پرواز هواپیما به اپراتور یا همان راهبر می‌رسد و وی دستورات را به هواپیما منتقل می‌کند. و در شیوه سوم هواپیما از طریق هوش مصنوعی پرواز می‌کند و نیاز به حضور انسان و کنترل او ندارد بلکه خود قادر به بلند شدن، پرواز و انتخاب هدف است و قادرند عملکرد خود را در پاسخ به تغییر شرایط در محیطی که در آن بکار گرفته می‌شوند مطابقت دهند (شکوهی و عندلیبی، ۱۳۹۱: ۲۰). در روش کنترل از طریق راهبر انسانی امروزه از سه راهبر برای هدایت هواپیماهای بدون سرنشین استفاده می‌شود. این راهبرها در اتاقی مخصوص که صرفاً بدین جهت طراحی شده‌اند از طریق رایانه هواپیما را هدایت می‌کنند. به این ترتیب که یک راهبر هدایت پرواز هواپیما را برعهده دارد. و راهبر دیگر دوربین‌ها و سنسورهای هواپیما را کنترل و بررسی می‌کند و تصاویر ارسالی این هواپیماها را در هر لحظه با ماهواره‌ها دریافت می‌کند. راهبر سوم نیز وظیفه برقراری ارتباط با نیروهای پشتیبانی و فرماندهان مستقر در مناطق جنگی را برعهده دارد. شلیک موشک و بمب روی مناطق جنگی نیز تنها با فشردن یک دکمه توسط این راهبر صورت می‌گیرد (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۶۵). در این روش چون راهبران هواپیما را از یک پایگاه دور از محل درگیری هدایت می‌کنند بنابراین اگر هواپیما به هر دلیلی سرنگون شود خطری این راهبران را تهدید نمی‌کند (Connel, 2010: 5). بدین خاطر چون راهبر با آرامش خاطر و آزادی عمل بیشتری نسبت به یک خلبان هواپیمای جنگنده عمل می‌کند می‌تواند با اطمینان بیشتری در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری کند (Anderson, 2010: 80). این عامل در کنار ارسال اطلاعات پویا و استفاده از سنسورهای گوناگون به حفظ جان و به تبع آن آرامش خاطر راهبران این هواپیماها می‌انجامد و آنان را قادر می‌سازد تا نسبت به اخذ تصمیم مناسب اقدام نماید (Boothby, 2014: 103). علیرغم مزایای گفته شده در استفاده از پهبادها نکته اصلی آن است که آنچه محل بحث است نه مزایای آنها بلکه نحوه استفاده از پهبادها و عملکرد راهبران

آن‌هاست (Christof, 2013: 15). درست است که راهبر هواپیماهای بدون سرنشین از طریق رادار و سیستم‌های تصویری همان چیزی را مشاهده می‌کند که یک خلبان جنگنده می‌بیند اما راهبر یک پهپاد از برقراری ارتباط فیزیکی و احساسی با جغرافیای مخاصمات و قربانیانی که مورد هدف قرار می‌گیرند عاجز است و آنان را در موقعیتی شبیه به انجام بازی‌های رایانه‌ای قرار می‌دهد. نکته‌ای که در گزارش ۲۰۱۰ گزارشگر ویژه سازمان ملل بدان اشاره شده است. به تعبیر گزارشگر این نحو دریافت اطلاعات و مشاهده تصاویر دارای دید از بالا که تداعی کننده بازی‌های پلی استیشن مانند است که به قتل رساندن افراد حاضر در صحنه جنگ را برای راهبر آنها تسهیل می‌کند (رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۱۸). از طرف دیگر عدم آموزش حقوق بشردوستانه به راهبران و استفاده نکردن از مشاوران حقوقی در فرایند استفاده از این هواپیماها که در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی مورد توجه قرار گرفته و بعنوان تعهد برای دولت‌ها مطرح شده، دو عامل دیگری است که در استفاده از این هواپیماها از طریق راهبران مورد انتقاد قرار گرفته است. چراکه به همان میزان که آموزش حقوق بین‌الملل بشردوستانه از نظر ذهنی لازم است باید به آموزش قلبی هم توجه کرد. دولت آمریکا بعنوان کشوری که به تنهایی بیشترین تعداد هواپیماهای بدون سرنشین و بیشترین میزان استفاده از آنها را دارد برطبق آمارهای موجود و برطبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل در سال ۲۰۱۳ در رعایت اصول و قواعد حقوق بشردوستانه ناکام بوده که حاکی از کشته و مجروح شدن تعداد زیادی غیرنظامی در جنگ‌های پاکستان، ۷۱ افغانستان، عراق، لیبی، یمن و سومالی است (Amnesty International, 2013: 56). آماری که عفو بین‌الملل در مورد قربانیان غیرنظامی این حملات به خصوص در پاکستان ارائه کرده، جالب توجه است. در این سال‌ها حملات پهپادها به رهبری سازمان سیا به کرات در ایالت وزیرستان شمالی انجام شده است که طی آن بیش از ۳۰۰ حمله رخ داده و در نتیجه آن بیش از هزار نفر کشته شده‌اند. با این حال تنها ۲ درصد از قربانیان این حملات افرادی بوده‌اند که باید مورد هدف واقع می‌شدند. یعنی تنها برای هدف قرار دادن ۲۰ نفر، بیش از هزار نفر از بین رفته‌اند. حملات پهپادهای آمریکایی در چارچوب جنگ‌های نامتقارن قرار می‌گیرد که وجه بارز جنگ‌های نامتقارن آن است که بی‌توجهی به حقوق جنگ بویژه حقوق غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی چنان در این جنگ‌ها شایع است که آن را تهدید یا حمله به مراکز جمعیتی یا زیرساخت‌های غیرنظامی تعبیر می‌کنند (ساعد، ۱۳۸۷: ۱۹۹). بنابراین در حال حاضر دیدگاه منفی نسبت به راهبران انسانی هواپیماهای بدون سرنشین وجود دارد. درخصوص هواپیماهای بدون سرنشین خودکار نیز اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی این هواپیماها به کیفیت و تنوع برنامه‌هایی برمیگردد که ابتدا در آنها برنامه‌ریزی شده است. در واقع این هواپیماها همچون سربازانی هستند که دستورات فرمانده خود را بدون چون و چرا اجرا می‌کنند. اما هواپیماهای بدون سرنشین با قابلیت کنترل هوش مصنوعی از دو منظر قابل چالش

است. یکی از بعد احساسی که هوش مصنوعی به دلیل فقدان درک و عواطف انسانی قادر به رعایت حقوق بشردوستانه که به دنبال اخلاق در جنگ است تا احساسات انسانی را تحت تاثیر قرار داده و وجدان افراد دخیل در جنگ را بیدار کند و آنان را به رعایت قواعد حقوق بشردوستانه ترغیب نماید، نیست. اما چالش دوم چالش منطقی است. آموزش اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به هوش مصنوعی، اتخاذ تصمیم درست در ماموریت‌ها با رعایت قواعد تفکیک، تناسب و احتیاط مسئله اصلی است. اینکه برنامه‌نویسان بتوانند به شکلی برنامه‌ریزی کنند که هوش مصنوعی قادر باشد در یک مخاصمه مسلحانه نظامیان را از غیرنظامیان تفکیک کند یا غیرنظامیان فعال در مخاصمه را تشخیص دهد امری است که پاسخش در حال حاضر منفی است (Sharkey, 2012: 788-789). باتوجه به اینکه استفاده از هوش مصنوعی در پهبادها در آغاز راه است شاید بیشترین نگرانی درخصوص هواپیماهای بدون سرنشین خودکار باشد چراکه این هواپیماها در صورتی که لازم باشد در برنامه‌های تغییراتی حاصل شود چون خود قادر به تجدیدنظر در کارهای خود نیست لذا کاربرد آن نمی‌تواند مطابق با قاعده منع حملات کورکورانه باشد حتی می‌تواند مصداقی برای ارباب باشد. البته ذکر این نکته لازم است که هواپیماهای بدون سرنشین ذاتا یک سلاح کورکورانه تلقی نمی‌شود بلکه هم می‌تواند در جهت رعایت اصل تفکیک باشد یا در جهت نقض آن (حسینی و یزدان نجات، ۱۳۹۲: ۲۱۹). چنین ادعا شده است که پهبادهای مسلح می‌توانند با دقت بیشتری به اعمال تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان نسبت به سایر جنگ‌افزارهای هوایی بپردازند و در نتیجه انطباق بیشتری با حقوق بشردوستانه دارند (Birch, 2012: 9). در نهایت مسئله مهم بررسی موردی موضوع با در نظر گرفتن مجموعه اوضاع و احوال و شرایط حاکم در زمان حمله است. به هر حال این فناوری همچون سایر پیشرفت‌های دیگر در فناوری نظامی دارای دو اثر متفاوت است. از یکسو کمک به طرف متخاصم که حملات خود را با دقت بیشتری انجام داده و در نتیجه تلفات و آسیب به اهداف غیرنظامی کاهش یابد اما از سوی دیگر ممکن است فرصت‌های افزایش حمله به دشمن و در نتیجه جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی بیشتر شود (آجیلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲).

۲-۳- تناسب در حمله

از نظر حقوق بشردوستانه حمله‌ای که باعث تلفات غیرنظامیان، جراحت آنان و خسارت به اهداف غیرنظامی یا همه این موارد گردد که می‌تواند از مزیت عینی و مستقیم نظامی پیش‌بینی شده تجاوز کند ممنوع است. بنابراین منظور از تناسب در حمله تناسب میان حمله و آثار آن است. بنابراین بطور کلی تفاوتی ندارد که چه وسیله یا سلاحی بکار گرفته شود بلکه حمله با هر سلاح و وسیله‌ای باید با خسارات وارده تناسب داشته باشد. بنابراین اگر این اصل بوسیله کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین نقض شود این نقض خصوصیتی به استفاده از این نوع هواپیما ندارد و بحثی مستقل است (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۷۳). هرچند که رعایت این اصل به وسیله

هواپیماهای بدون سرنشین سهل‌تر بنظر می‌رسد. چراکه جمع‌آوری اطلاعات از طریق هواپیماهای بدون سرنشین می‌تواند نقش مهمی در تعیین تعداد غیرنظامیان حاضر در صحنه عملیات داشته باشد و مانع از ایجاد خسارات و تلفات جانی بسیار شود. پهبادها قادر به ارسال اطلاعات بصورت زنده به مرکز فرماندهی عملیات هستند و این خود قابلیت ویژه و کمک کننده در رعایت اصل تناسب است (حسینی و یزدان نجات، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

۲-۴- اتخاذ اقدامات احتیاطی در حمله

طبق قاعده ۱۷ قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی هریک از طرف‌های دیگر باید هرگونه اقدام احتیاطی ممکن را در گزینش ابزارها و روش‌های جنگی به عمل آورند و طبق پروتکل اول الحاقی نیز «در هدایت عملیات‌های نظامی در ارتباط با جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی احتیاط دائم باید اتخاذ شود» (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۱۳۷). قابلیت رعایت اقدامات احتیاطی در حمله اینگونه تفسیر شده است که تنها در مواردی قابل اعمال است که با در نظر گرفتن کلیه شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر زمان حمله ممکن باشد (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۷۴). همانطور که گفته شد نحوه تعامل راهبرهای یک هواپیمای بدون سرنشین با هواپیمای در حال مأموریت به این ترتیب است که داده‌های مربوط به مأموریت را به یک ماشین تصمیم‌گیر بیرونی ارسال و فرمان‌هایی که آن ماشین ارسال می‌کند را اجرا می‌کند سپس دستورهای لازم نیز از همین مسیر برای هواپیما ارسال می‌شود (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). چنانچه گونه‌های پیشرفته هواپیماهای بدون سرنشین قادر به انتقال اطلاعات در زمان باشند به نظر می‌رسد شرط عملاً امکانپذیر بودن و قابلیت رعایت اقدامات احتیاطی در بکارگیری آنها ممکن باشد. اما هواپیماهای کاملاً خودکار یا هواپیماهایی که نتواند اطلاعات را در زمان انتقال دهند یا دریافت کنند قابلیت رعایت اقدامات احتیاطی را نداشته در نتیجه بکارگیری آنها نقض اصل رعایت اقدامات احتیاطی در حمله محسوب می‌گردد (خرمی، ۱۳۹۶: ۱۷۵).

بررسی اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکی از عام‌الشمول و لازم‌الاجرا بودن آنها در تمامی شرایط از سوی طرف‌های درگیر و غیردرگیر در مخاصمات می‌باشد. بدیهی است که رعایت این اصول در طول مخاصمات مسلحانه به اطلاعات دقیق و کافی از وضعیت طرف دیگر درگیری احتیاج دارد. لذا دولت‌ها برای رعایت این اصول مخصوصاً اصل احتیاط مکلف به استفاده از ابزارهای مختلف جهت کسب اطلاعات هستند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارش سال ۲۰۱۱ خود به کاربرد دوگانه هواپیماهای بدون سرنشین اشاره کرده و این نکته را مدنظر قرار داده که استفاده از اینگونه هواپیماها همانند هر فناوری دیگر می‌تواند در راستای اجرای حقوق بشردوستانه نیز صورت گیرد (ICRC, 2011: 39). شاید بتوان استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین جاسوسی را در تحقق این امر یکی از مصادیق مورد توجه کمیته دانست. بنابراین

کشورهای دارای فناوری هواپیماهای بدون سرنشین به منظور احترام و اطمینان از اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه ملزمند که از این وسایل استفاده کنند و این الزام نه تنها شامل دول درگیر در مخاصمه که شامل کشورهای ثالث نیز می‌گردد و نقض این تعهد بعنوان نقض قواعد حقوق بشردوستانه تلقی می‌شود (Sassoli, 2002: 422). لذا سایر کشورها بخصوص هم‌پیمانان نظامی در صورت دارا بودن هواپیماهای پیشرفته جاسوسی و شناسایی باید به منظور اجرای هرچه بهتر اصول حقوق بشردوستانه از این وسایل برای راهنمایی و هدایت هم‌پیمانان خود که درگیر در جنگ هستند استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

مزایای منحصر هواپیماهای بدون سرنشین نسبت به سایر ادوات نظامی سبب پشت سر نهادن توأمان مرزهای جغرافیایی و حقوقی توسط دولت‌های صاحب این نوع فناوری شده است که به بهانه‌های مختلف و به خصوص مبارزه با تروریسم، اعمال خود را مجاز می‌دانند و در این راه از تفسیر شخصی اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز در راستای منافع خود بهره می‌برند. نباید فراموش کرد که استفاده از این وسایل، همچون سایر ادوات و تجهیزات جنگی باید محدود به زمان و مکان مخاصمات مسلحانه باشد که اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر آنها حاکم است و نه چیزی مافوق یا مادون آن. بعنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل بشردوستانه استفاده از روش‌ها یا جنگ‌افزارهایی که باعث صدمات شدید یا رنج غیرضرور می‌شوند ممنوع است. اینکه هواپیماهای بدون سرنشین بعنوان یکی از ابزار و وسایل نوین جنگی می‌توانند باعث ایجاد صدمات و لطمات شدید و غیر لازم گردند یا خیر و بطور کلی استفاده از آنها برطبق حقوق مخاصمات مسلحانه مجاز یا ممنوع است بستگی تام به این دارد که مطابقت کامل این هواپیماها را با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بویژه اصل تفکیک و قواعد زیرمجموعه آن بررسی شود و میزان توانایی این هواپیماها در اجرای حقوق بشردوستانه و تامین اهداف آن مورد امکان‌سنجی قرار گیرد. بطور کلی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه غیرقانونی نیست و نمی‌توان بطور مطلق مدعی شد که هرگونه استفاده از این هواپیماها هم راستا با اصول حقوق بشردوستانه نبوده بلکه باعث نقض این قواعد می‌شود. پاسخ به این مسائل به نحوه کاربرد و استفاده از این هواپیماها و اهداف و مقاصدی که برای آن بکار گرفته می‌شوند و مکان و زمان استفاده و قابلیت‌ها و محدودیت‌های هواپیماهای بدون سرنشین بستگی دارد. شاید بتوان اینطور نتیجه گرفت که استفاده از یک هواپیمای بدون سرنشین خودکار که قادر به بازنگری در کارهای خود نیست صرف‌نظر از اینکه قواعد حقوق بشردوستانه را نقض کنند یا نه استفاده از این نوع هواپیماها به دلیل عدم توانایی در رعایت اصل تفکیک برخلاف حقوق بشردوستانه است. اما در هواپیماهای بدون سرنشین با هدایت راهبر انسانی و کنترل از راه دور بدلیل ارتباط دائم و همزمان میان عملیات هواپیما

با خلبان و عاملان پرواز به نظر می‌رسد که استفاده از این هواپیماها مغایر با اصول حقوق بشردوستانه نباشد. اگرچه اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه پس از گذشت سال‌ها همچنان به خوبی ابعاد مختلف فناوری‌های نوین از جمله استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح را تحت پوشش قرار می‌دهند، ظهور چالش‌های ماهوی و شکلی در قبال توسعه هواپیماهای بدون سرنشین در آینده، لزوم ترجمان جدید قواعد قدیمی و تصویب قواعد جدید در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه را می‌طلبد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آرامایی، نیل (۱۳۸۷)، «پهباد جنگی: فناوری و جنگ در عصر مدرن»، ترجمه: حسین شکوهی، ماهنامه نگرش راهبردی، ش ۸۹.
- ۲- آقاجانی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «استفاده از پهبادها در عملیات‌های نظامی»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، س ۱۶، ش ۵۵.
- ۳- آجیلی، هادی و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی جایگاه پهباد در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، س ۱۲، ش ۴۵.
- ۴- تقی‌زاده، زکیه و هداوندی، فاطمه (۱۳۹۱)، «کاوشی در مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۹، ش ۳.
- ۵- خرمی، مصطفی (۱۳۹۶)، «بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۳۱، ش ۱.
- ۶- رنجبر، علیرضا (۱۳۹۴)، «چالش‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قبال توسعه هواپیماهای بدون سرنشین نظامی»، فصلنامه مطالعات بین‌الملل، س ۱۲، ش ۲.
- ۷- شکوهی، حسین و همت عندلیبی، علی (۱۳۹۱)، «آرایه‌های پهبادی مطلوب در صحنه نبرد ناهمگون برای اجرای ماموریت‌های اطلاعاتی»، فصلنامه مدیریت نظامی، دوره ۱۲، ش ۴۶.
- ۸- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: کتابخانه گنج دانش و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.
- ۹- علاقه‌بند حسینی و یزدان نجات، یونس (۱۳۹۲)، «گسترش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در آینده توسل به زور و مخاصمات مسلحانه»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲۳.
- ۱۰- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: پاسخ به سوالات شما، ترجمه: هاجر، سیاه رستمی، ج ۱، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

- ۱۱- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۸)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی* (۲و۱)، تهران: نشر میزان.
- ۱۲- هنکرتز، ژان ماری و لوییس دوسوالدبک (۱۳۸۷)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ج ۱، ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.

لاتین:

- 13- Abeyratne, R. (2015). *Public Policy and Human Rights. In Aviation and International Cooperation* (pp. 1-61). Springer International Publishing.
- 14- Arabella Lang, 'UK Drone Attack in Syria: Legal Questions (2015). Briefing Paper, Number 7332, House of Commons Library, from <http://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/CBP7332/CBP-7332.pdf>
- 15- Alston Ph (2010). "Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions" (A/HRC/14/24/Add.6), United Nation document.
- 16- Anderson K (2010). "Rise of the Drones: Unmanned Systems and the Future of War", in: U.S. House of Representatives Subcommittee on National Security and Foreign Affairs, American University Washington College of Law Research:
- 17- Amnesty International (2000). *Collateral Damage, or Unlawful Killings? Violations of the Laws of War by NATO During Operation Allied Force*.
- 18- Arimatsu L, Choudhury (2010). "Year in Review", in: Schmitt M. *Yearbook of International Humanitarian Law*, Volume 13, Hague: Springer
- 19- Amnesty International (2013). "Will I be next?' US drone strikes in Pakistan", Amnesty International Publications.
- 20- Birch, M., Lee, G., & Pierscionek, T. (2012). *Drones: The physical and psychological implications of a global theatre of war*. Medact, London.
- 21- Boczek B (2005). *International Law: A Dictionary*, Maryland: scarecrow press.
- 22- Bothe M (2011). "Setting the scene: new challenges for IHL", in: Heintschel von Heinegg W. *International Humanitarian Law and New Weapon Technologies*, Milan: International Institute of Humanitarian Law.
- 23- Boothby W H (2014). *Conflict Law: The Influence of New Weapons Technology, Human Rights and Emerging Actors*, Hague: Springer.
- 24- Casey-Maslen, Stuart (2012). Drone Strikes Under Jus ad Bellum, Jus in Bello, and International Human Rights Law, *International Review of the Red Cross*, 94(886).
- 25- Cole, Chris, Mary Dobbing and Amy Hailwood (2012). *Convenient Killing: Armed Drones and the 'Play station' Mentality, The Fellowship of Reconciliation*, Oxford University Press.
- 26- Commentary on the HPCR Manual (2010) Commentary on the HPCR Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, Harvard University, Version 2.

- 27- Christof H (2013). "Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions" (A/68/382), United Nation document.
- 28- De Groof, M (2016). *Death from the Sky: International Legal and Practical Issues on the Use of Armed Drones*. In *Drones and Unmanned Aerial Systems*. Springer International Publishing
- 29- Daily Telegraph [<http://www.dailytelegraph.com.au/> (2013). Remote pilots require the human touch, September 4, p. D4. available at: <http://reader.livedition.dk/thetelegraph/154/> Accessed July 14, 2015
- 30- Emmerson B (2013). Report of the Special Rapporteur on the Promotion and protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism, (A/68/389), United Nation document.
- 31- Gill, T.D (2013). Unmanned Aerial Vehicles & International Law If, How, When and Where UAV Strikes May Be Conducted, from http://www.ismllw.org/seminaires/2013_04_09_Munster_textes%20des%20orateurs/2013-04-10-07%20Prof%20Gill.pdf
- 32- Grant J, Barker J (2009). *Parry & Grant Encyclopaedic Dictionary of International Law*, 3rd Edition, New York: Oxford University Press.
- 33- Garraway C (2004). "Strengthen respect for international humanitarian law training: rote or ethos?", in: Ravasi G, Beruto G. Strengthening Measures for The Respect And Implementation of International Humanitarian Law And Other Rules Protecting Human Dignity In Armed Conflict, Sanremo: International Institute of Humanitarian Law
- 34- Henderson I (2009). *The Contemporary Law of Targeting*, International Humanitarian Law Series, Volume 25, Leiden-Boston: Martinus Nijhoff..
- 35- Koh H (2010). The Obama Administration and International Law, Keynote Address at the Annual Meeting of the American Society of International Law, cited March 2010, available at: <http://www.state.gov/s/l/releases/remarks/139119.htm>
- 36- Lewis, Michael W (2012). Drones and the Boundaries of the Battlefield, *Texas International Law Journal*, Volume 47, Issue 2.
- 37- Melzer, Nils (2008). *Targeted Killing in International Law*, Oxford University Press, Oxford.
- 38- Millson, R. O., & Herman, D. A. (2015). *Legality under International Law*
- 39- M Benjamin, *Drone Warfare; Killing by Remote Control* (Verso 2013) 15
- 40- McDaid, Hugh and David Oliver (1997). *Smart Weapons: Top Secret History of Remote Controlled Airborne Weapons*, New York: Welcome Rain.
- 41- O’Gorman, Rob and Chris Abbott (2013). *Remote Control War, Unmanned Combat air Vehicles in China, India, Iran, Israel, Russia and Turkey*, Open Briefing Press, London.

- 42- Otto R (2010). *Targeted Killings and International Law with Special Regard to Human Rights and International Humanitarian Law*, Heidelberg: Max Planck institute of comparative public law and international law.
- 43- O'Connell M E (2010). *Unlawful Killing with Combat Drones: A Case Study of Pakistan, 2004-2009*, Legal Studies Research paper (Notre Dame Law School),
- 44- Pictet J S (1952), *Commentary on the Geneva Conventions I of 1949*, Geneva: International Committee of the Red Cross (ICRC).
- 45- Sharkey N (2012). Drones proliferation and protection of civilians, in: Heintschel von Heinegg W. *International Humanitarian Law and New Weapon Technologies (34th Round Table on Current Issues of International Humanitarian Law Sanremo)*, Milan: International Institute of Humanitarian Law.
- 46- Sterio M, (2012). The United States' Use of Drones in the War on Terror: The (Il)legality of Targeted Killings Under International Law, *JIL*, Vol.45.
- 47- Sassòli M (2002). State responsibility for violations of international humanitarian law, *IRRC*, Vol.84.
- 48- Solis G (2010). *The Law of Armed Conflict: international humanitarian law in war*, New York: Cambridge.
- 49- Vogel, R. (2011). Drone warfare and the law of armed conflict, *Denver Journal of International Law and Policy*. Vol. 39(1)
- 50- Wardrop M (2009). Unmanned Drones Could be Banned, cited July 2009, available at: <http://www.telegraph.co.uk/news/uknews/defence/5755446/Unmanneddronescould-be-banned-says-senior-judge.html> Accessed July 14, 2015.